واکنش سریع هنگام وقوع زلزله می‌تواند شما را از جراحات احتمالی محافظت کند. حداقل دوبار در سال پناه‌گیری را تمرین کنید.

دیدار رئیس جمعیت هلال‌احمر با خانواده امدادگر شهید «محمود غیاث آبادی»

رئیس جمعیت هلال‌احمر روز گذشته و در دیداری صمیمانه با خانواده امدادگر شهید «محمود غیاث‌آبادی» یاد و خاطره امدادگران شهید دوران دفاع مقدس را گرامی داشت. دکتر علی‌اصغر پیوندیبه مناسبت بزرگداشت هفته هلال‌احمر با همراهی مشاور امور ایثارگران و مدیر کل روابط عمومی جمعیت هلال‌احمر به دیدار خانواده شهید محمود غیاث‌آبادی رفت و در این دیدار یاد و خاطره امدادگران شهید دوران دفاع مقدس را گرامی داشت. شهید محمود غیاث‌آبادی سال ۱۳۶۲ به منظور پاکسازی منطقه مین، حدود ۳۵ روز به منطقه جنگی رفت، سپس سال ۱۳۶۳ بعد از اخذ دیپلم و شرکت در مرحله اول کنکور سراسری به‌عنوان امدادگر به مدت یک ماه در بیمارستان امام خمینی (س) آموزش دید و راهی جبهه شد. شهید غیاث‌آبادی ۳۱ شهریور سال ۶۳ بر اثر برخورد ترکش خمپاره در منطقه چنگوله استان ایلام به شهادت رسید.

گفت‌وگویی با امدادگر یزدی به بهانه هفته هلال‌احمر:

امدادگری هم عشق می‌خواهد هم مهارت

محمد مهدی اقبالی | «بسیاری معتقدند زمانی که فردی وارد نهادی می‌شود باید همسو با اهداف آن گام بردارد، جمعیت هلال‌احمر از آن نهادهاست، جایی که فعالیت در آن عشق و علاقه قلبی می‌خواهد و وقتی این احساس در وجودت تپید دیگر غرق خواهی شد، شاید به همین دلیل است که پیشرفت جوانان و امدادگران هلال‌احمر شهر جهانی یزد و رسیدن به جایگاهی شایسته، یکی از آرزوهای من است.» اینها گفته دنیا دهقان جوان و امدادگر فعال شهرستان یزد است. کسی که موفقیت‌های خود را تنها مدیون خداوند می‌داند و همیشه سپاسگزار لطف اوست. به بهانه هفته هلال‌احمر با این امدادگر گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

• از خودتان بگویید.

دنیا دهقان متولد ۹ شهریور سال ۱۳۷۹ زاده شهرستان یزد هستم و متاسفانه در ۱۳ سالگی طعم تلخ از دست دادن پدرم را چشیدم. شهریور سال ۱۳۹۶ باعضویت در سازمان جوانان شهرستان یزد وارد جمعیت هلال‌احمر شدم و بعد از فعالیت در شاخه جوانان در حوزه امداد و در تیم اسکان اضطراری و تغذیه مشغول به فعالیت شدم آن زمان مقطع پیش دانشگاهی دانش آموز برتر رشته تجربی مدرسه شهید محمود خلیلی بودم. حالا هم دانشجوی ترم دو رشته کارشناسی روانشناسی و عضو جوان و نجاتگر جمعیت هلال‌احمر شهرستان یزد هستم. آخرین اتفاق هم این که امسال در روز تولد حضرت علی اکبر(ع) و روز جوان از طرف فرمانداری شهرستان یزد به عنوان جوان فعال و برتر انتخاب شدم.

• این آشنایی با هلال‌احمر از کجا آغاز شد؟

برای پر کردن اوقات در کلاس‌های کمک‌های اولیه ثبت‌نام کردم در طی همین دوره حادثه ناگوار و غیر منتظره زلزله کرمانشاه رخ داد که برحسب اتفاق در جمعیت فعالیت‌های همه جانبه و پرجنب و جوش جوانان و امدادگران و داوطلبان را دیدم که برایم حس و حال عجیبی داشت انگار که در روح من جان تازه‌ای شکفت؛ بی‌درنگ و بدون هیچ وقفه‌ای من هم نیز اعلام آمادگی برای کمک کردم و پا به پای فرشتگان نجات هلال احمر مشغول شدم و حالا هم نجاتگر جمعیت هلال‌احمر شهرستان یزد هستم.

• اگر بخواهید هلال احمر را در یک جمله تعریف کنید چه می‌گویید؟

عشق و علاقه و شوق خدمت‌رسانی و فداکاری در راه خداوند؛ البته در یک جمله می‌توان گفت همه زیبایی‌های انسانیت یک جا در هلال احمر تبلور پیدا می‌کند، همچنین اشاعه فرهنگ نوعدوستی و تسکین آلام بشری امید هر خانواده ایرانی یک امدادگر به همت و شکرانه بازوی توانا به گرفتن دست ناتوان.

• از نظر شما امدادگر چه مسئولیتی دارد و برای درست انجام دادن این مسئولیت چه وظایفی بر عهده دارد؟

از ویژگی‌هایی که یک هلال احمری دارد شجاعت و خلوص و بی‌ادعا بودنش است، اگر عشق و علاقه و همچنین مهارت که مهمترین بحث است در این کار نباشد، قطعا فداکاری و حس همدوستی و تحمل دوری از خانواده به خصوص در بهترین روزهای سال میسر نمی‌شود. مسئولیت امدادگر مسئولیتی سنگین است و باعشق در هر شرایط و زمانی در کنار مردم است.

• به نظر شما مردم چقدر هلال احمر را می‌شناسند و وظیفه امدادگران برای بهتر شدن این شناخت چیست؟

معتقدم دید مردم نسبت به هلال احمر مثبت است؛ بسیاری از مردم، جمعیت هلال‌احمر را به عنوان یک مجموعه انسان‌دوستانه می‌شناسند و وقتی در حوادث امدادگری را با لباس مقدس امدادی می‌بینند، دور او حلقه زده و احساس آرامش می‌کنند. این آرامش، درونی و نشأت گرفته از آشنایی عمیق مردم با جمعیت است. با اجرای کلاس‌ها، مانورها، برنامه‌های رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی می‌توان به این مهم دست یافت.

• وقتی کاور قرمز امداد یا آبی جوانان را می‌پوشید، چه احساسی دارید؟

احساس زنده بودن!

• هدف شما از عضویت در این سازمان چه بوده است؟

شخصا کار عام‌المنفعه را خیلی دوست دارم و درواقع کمک به همنوع را می‌پسندم. از آنجایی که مهمترین اهداف جمعیت بی‌غرضی است؛ یعنی باحسن نیت و انگیزه کمک به همنوعان عضو می‌شویم، عضو این سازمان شدم و صرفا دوست داشتن مبنای کار من بود و بدون هیچ چشمداشت مالی و مادی و کاملا اختیاری عضو شدم و یکی از مهمترین ویژگی‌های عضویت در این سازمان همین برانگیخته شدن پاک‌ترین احساسات انسان‌هاست. این کار برایم ارزشمند و دوست‌داشتنی است، می‌شود گفت هر کجا که به کمک نیاز داشته باشند سریع حاضر می‌شوم؛ در زیرمجموعه‌های سازمان جوانان و عضو کانون آزاد خواهران فعال بوده‌ام و در طرح‌ها و برنامه‌های جوانان از جمله طرح ایمنی و سلامت نوروزی، مسابقات رفاقت مهر، طرح دادرس، مانورها، برگزاری ایستگاه‌های سلامت و همچنین در کنار داوطلبین و بحث کمک‌های مردمی حضور داشتم و در مرکز EOC نیز فعالیت دارم.

• انتظار شما از مسئولان برای حمایت از سازمان چیست؟

به‌نظر من هر چه بیشتر به این سازمان بها بدهند نتیجه اجتماعی آن را می‌توانند در اجتماع ببینند؛ نه به این معنا که بودجه‌های کلان اختصاص بدهند، بلکه برنامه‌های اجرایی بیشتری برای سازمان در نظر بگیرند، یعنی دست سازمان را برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی بیشتر باز بگذارند.

• در خصوص فعالیت بانوان در هلال احمر چه ذهنیتی دارید؟

وقتی صحبت از امداد و خدمت‌رسانی می‌شود دیگر کلمه‌ای مانند جنسیت معنا پیدا نمی‌کند. باتوجه به این که در حوادث مختلف خانواده‌ها و زنان هم آسیب می‌بینند، بنابراین حضورشان در جمعیت خدمات‌رسان هلال احمر برای مساعدت و انجام حمایت‌های مورد نظر ضروری است و همچنین بانوان در عرصه‌های مختلف همچون امداد و نجات حضوری پررنگ دارند و در صحنه‌هایی که نمی‌توانند حاضر شوند از پشت جبهه می‌توانند یاری خود را برسانند.

• و حرف آخر؟

از همه کسانی که به عنوان نیروی جدید وارد جمعیت می‌شوند، می‌خواهم که احترام پیشکسوتان این عرصه را بیش از پیش داشته باشند. به آنها به عنوان سرمایه جمعیت بنگرند و تا می‌توانند از تجربیات ایشان استفاده کنند که از قدیم گفته‌اند: التجربه فوق العلم.

همچنین از همه مردم می‌خواهم که آموزش‌های امداد و کمک‌های اولیه را بیاموزند و حوادث را جدی بگیرند و بدانند که حادثه همیشه برای دیگران نیست و همواره در کمین ماست. و در پایان برای همه اعضای جوانان و امدادگران آرزوی توفیق روز افزون دارم و به آنها می‌گویم قدر این دوران که نیتشان خدمت به خلق خداست را بدانند.

پای حرف هلال‌احمری‌ها

لبخندهای ماندگار از سراسر جهان

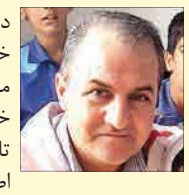

دکتر حسین کبیری | در جهانی با انزوا و تنش‌های بیشتر و استفاده بی‌محابا از خشونت چه می‌توان کرد؟

جز تقویت ارزش‌های فردی و اجتماعی که احترام به یکدیگر را تشویق می‌کنند و مایل به همکاری با یکدیگر برای یافتن راه‌حل‌هایی برای مشکلات جامعه هستند، راهی هست؟

جنبش بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال‌احمر از تمایل به ارایه کمک بدون تبعیض به زخمی‌شدگان در میدان جنگ شروع شد و اینک با اتکا به ظرفیت‌های بین‌المللی و ملی خود برای جلوگیری و رفع رنج‌های انسانی هرجا که ممکن است، حضور دارد.

فدراسیون بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال‌احمر (IFRC) بزرگترین شبکه انسانی درجهان است که میلیون‌ها داوطلب در ۱۹۰ جمعیت ملی عضو دارد.

هدف جنبش بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال‌احمر نجات و حفاظت از زندگی، سلامت و تضمین احترام برای انسان است. این امر باعث درک متقابل، دوستی، همکاری و صلح پایدار میان همه مردم می‌شود.

چاره درد جانکاه و رنج همواره بشر «تبعیض» آن هم در قالب‌های گوناگونی چون ملیت، نژاد، باورهای مذهبی، عقاید طبقاتی یا سیاسی جز با «بی‌طرفی» ممکن نیست. این تلاشی برای رفع درد و رنج افراد است و تنها به دلیل نیازهای آنها هدایت و با اولویت فوری‌ترین دشواری‌های آنان است.

جنبش بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال‌احمر به منظور ادامه‌دادن به اعتمادبه‌نفس درخصومت‌ها و در بحث‌های سیاسی، نژادی، مذهبی یا ایدئولوژیکی حضور ندارد.

جنبش بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال‌احمر مستقل است و انجمن‌های ملی درحالی که در خدمات بشردوستانه دولت‌های خود و تحت قوانین کشورهای مربوطه هستند اما همیشه باید خودمختاری خود را حفظ کنند تا بتوانند در تمام زمان‌ها مطابق با اصول جنبش عمل کنند.

جنبش بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال‌احمر، فعالیتی داوطلبانه در جهت تسکین آلام بشری است که به هیچ‌وجه با تمایلات مادی و کسب منفعت همراه نمی‌شود.

جنبش بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال‌احمر بر پایه جمعیت‌های ملی اما دارای موقعیت مساوی و مسئولیت‌ها و وظایف یکسان در کمک به یکدیگر است.

طرح مشترک ما برای مقابله با چالش‌های بزرگ انسانی است. وظیفه ما «نجات زندگی و تغییر ذهن» است.

ما تمرکز کار خود را در سه حوزه کلیدی ادامه خواهیم داد:

۱) واکنش مناسب به فجایع و ترمیم آنها، ۲) رشد و توسعه و ۳) ترویج پذیرش اجتماعی و صلح.

بلایای طبیعی در تعداد، مقیاس و پیچیدگی افزایش یافته است. نیاز فوری ما؛ پاسخ مناسب و بشردوستانه و آمادگی در برابر بلایای طبیعی و کاهش خطرات است، چراکه موجب نجات زندگی و ایجاد انعطاف‌پذیری شده و درعین حال مقرون به‌صرفه است.

ستون اصلی جنبش بین‌المللی صلیب‌سرخ و هلال‌احمر، داوطلبان هستند که در قبل، در طی و پس از یک بحران در همان جامعه حضور دارند و زندگی می‌کنند. آنها اولین کسانی هستند که هنگام حمله به فاجعه پاسخ می‌دهند و بزرگترین انگیزه را در کمک به بهبود جامعه خود دارند.

داوطلبان بهترین روش را برای راحتی و حمایت از افراد گرفتار در بلیه می‌دانند؛ زیرا خود از افراد آسیب‌دیده همان جامعه‌اند.

سیل مهربانی، آبادگر خانه‌ای سرخ و سپید به وسعت ایران

معصومه سلیمانی‌صابر- استان همدان | چونان سیلابی که یکباره آمده بود دروازه قرآن را با خود ببرد، موجی عظیم دلم را باخود برده بود. همه شور و حرارت بود. اطرافم پر شده بود از انسان‌هایی که انگار از یک کره خاکی دیگر آمده بودند. هیچ کدام لحظه‌ای یکجا بند نبودند:

صبح کوه، ظهر همایش، عصر زیارت عاشورا، شب عملیات. صبح مانور، ظهر اکرام نیازمندان، عصر بازآموزی امداد، شب شیفت پایگاه.

بی‌آنکه خود بدانم چرا تمام وقت همراهشان شده بودم، گویی هدف زندگی را در قدم‌های محکم آنان یافته باشم.

جرقه‌ای که در ذهنم زده می‌شد چونان آتشی در نیستان، به سرعت فرصت اجرا پیدا می‌کرد و همین شیفتگی مرا دوچندان می‌کرد. جا برای کار زیاد داشت.

می‌دانید از «کجا» دارم می‌گویم؟

کمی شبیه آموزش و پرورش بود آنجا که دوره‌های آموزشی برگزار می‌کرد. کمی شبیه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آنجا که استعداد نوجوانان را محک می‌زد. کمی شبیه ارتش، آنجا که نیروی عملیاتی پرورش می‌داد. کمی شبیه سپاه آنجا که دل سپرده می‌خواست نه سر سپرده. کمی شبیه کمیته امداد آنجا که کمک‌های مردمی را جمع‌آوری می‌کرد. کمی شبیه بهزیستی آنجا که داروی بیماران خاص را تهیه می‌کرد و مددجویان را تکریم. کمی شبیه اورژانس آنجا که نیروهای خود را به صحنه حوادث اعزام می‌کرد. کمی شبیه....

شبیه همه اینها بود، اما هیچکدام نبود.

آخر می‌دانید: صحبت از کار بود، از تلاش بود، از شب‌بیداری بود، از دستگیری بود، از امداد بود، اما از دستمزد نبود.

حالا سال‌هاست خانه سرخ و سپیدی، شده خانه ما. خانه ما، خانه امید خیلی‌هاست. صاحبان این خانه همه جوانان، امدادگران و داوطلبانی هستند که فارغ از هیجانات زودگذر این دنیای مادی، دست‌هایشان را در هم گره کرده‌اند و در کنار همه مردم ایران، جامعه هدفی دارند به وسعت جهان و می‌خواهند سفیران بشردوستی باشند برای سربلندی نوع انسان.

هلال احمر خانه همه ماست. قدرش را بدانیم.

همتی به وسعت آسمان

سلیمه ترکیان | انسان‌هایی آراسته به زیبایی و هنر تسکین بشریت در حوادث تلخ روزگار در روز و شب‌هایی که چشم‌ها و ذهن‌ها به جاهای دیگر معطوف است، این عزیزان گویی زیبایی دیگری را به نظاره نشسته‌اند و آن خدمت و تلاش به جهت ایجاد آرامش جسم و روح به افرادی است که ضربه‌های سهمگین حوادث آنها را بی‌رمق کرده است.

دوست داشتن، مهرورزیدن و دیده‌شدن از صفات بارز انسانیت است که این‌گونه صفات را شاید حتی در فرشتگان هم نتوان دید و این جز به منادیان مهری که هلال زیبای ماه را بر سینه نقش بسته‌اند، برازنده نیست.

در دنیایی پر از جنگ، ستم و ناامیدی که روح بشر را می‌خراشد، بلا و حوادثی که زمین و آسمان در نگه‌داشتش عاجزند، التهاب داغ آوارها، سیل‌های خروشان، خشکسالی‌های عطش‌دار، زلزله‌های مصیبت‌وار و رعدوبرق‌های مهیب، تاب‌آوری چنین جامعه‌ای را انسان‌هایی بزرگ در خود پرورش داده‌اند که بحق آرام‌بخش‌ترین قسمت یک حادثه است.

بزرگترین جمعیت خیرخواه در ایران که بدون هیچ چشمداشتی و به دور از هرگونه نژادپرستی، قوم و قبیله‌ای بودن همتی می‌خواهد به وسعت آسمان.

گردآوری انسان‌های شریفی که در حوادث مختلف از جان مایه می‌گذارند و سیل مهربانی را وارد وجود عزیزان آسیب‌دیده می‌کنند و ایمنی‌بخش زندگی افراد و اقشار متأثر از حوادث هستند، خود گواه وجود همچین نهاد پاک و مقدسی است.

انسان‌هایی که آموزش می‌بینند برای کمک‌رسانی و کمک می‌کنند برای اشاعه فرهنگ نوعدوستی و مهربانی.

دست آنها همیشه به سوی همه انسان‌ها در تمامی دنیا به جهت یاری دراز است.

هفته هلال‌احمر بر مهربانان و آرزومندان صلح در سراسر دنیا شاد باش.

هلال‌احمری که باشی آرزویت می‌شود کمک کردن

یوسف جباری جم - دبیر کانون جوانان جمعیت هلال احمر شهرستان اسدآباد | نکوداشتی برای سرخ‌پوشان عرصه بشردوستی که کلمه ایثار را هجی می‌کنند و مشق خدمات داوطلبانه صفحه جدانشدنی از دفتر پر برگ زندگی‌است که وقف خدمات عام‌المنفعه شده. جوانان پرشور و بی‌غرضی که مخاطرات دغدغه‌هایشان این است که هر کاری می‌توانند بکنند تا مردمان در آسایش و رفاه باشند و از مشکلاتشان کمی کاسته شود.

هلال احمری که باشی آرزویت می‌شود کمک کردن، هلال‌احمری که باشی آرزویت می‌شود پوشیدن لباس فرشته‌ها... هلال‌احمری که باشی آرزویت می‌شود هدفت... هلال‌احمری که باشی خواب و خوراک نداری... هلال احمری که باشی رنگ پوست و نژاد برای تو فرق نمی‌کند... هلال احمری که باشی قوم و قبیله و زبان برایت یکی است... هلال‌احمری که باشی می‌فهمی که در زندگی حامی بودن یعنی چه... هلال‌احمری که باشی دلت لک می‌زند برای کمک کردن... هلال‌احمری که باشی می‌فهمی اشک کودک گرسنه را... هلال‌احمری که باشی می‌فهمی حال مصدوم خجالتی را در هنگام مصدومیت... هلال‌احمری که باشی معنی کولاک و برف برای مسافران را می‌فهمی... هلال‌احمری که باشی می‌فهمی واژه امید را... هلال احمری که باشی می‌فهمی واژه عشق را... هلال احمری که باشی درد را با ذره ذره وجودت حس می‌کنی... هلال احمری که باشی به حداقل‌ها قناعت می‌کنی... هلال‌احمری که باشی می‌بینی صبر را در همه لحظات زندگی‌ات... هلال‌احمری که باشی با تنهایی مأنوس می‌شوی... هلال احمری که باشی هلال‌احمر را خانه خود می‌دانی و به خانه‌ات عشق می‌ورزی... و در نهایت هلال احمری که باشی خدایت را می‌شناسی، به مفهوم واقعی.